روزنامه همدلی

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

چهارشنبه ۲۵ مهر ۱۴۰۳ _ ۱۲ ربیع الثانی ۱۴۴۶ _ ۱۶ اکتبر ۲۰۲۴- شماره ۲۵۱۹ _ سال نهم
۸ صفحه _ قیمت ۱۰۰۰۰ تومان _ ضریب کیفی ۶۱۴

t.me/HamdeliNews newspaper.hamdeli@gmail.com hamdelidaily.ir

صاحب امتیار , مدیر مسئول: ولی‌الله شجاع‌پوریان سردبیر: رضا نامجو معاون سردبیر: علی نامجو

مدیر هنری: امین مریخی چاپ: صمیم ۲- ۶۵۵۸۶۸۰۱ - ۰۲۱ توزیع: نشر گستر امروز ۰۲۱۶۱۹۳۳۰۰۰

دبیر تحریریه: مهدی فیضی‌صفت
سیاسی: زیر نظر سردبیر
اجتماعی: کامل نامور مطلق
همکاران: رضا جمالی و محی‌الدین فارسی
حقوقی: سید سعید پرور
همکاران: جامعه حقوقدانان ایران

اقتصادی: کورش شیرازیان
همکاران: پریسا قاسم‌زاده، سارا حیدرنژاد
فرهنگی: ستاره قاسمی
همکاران: آیسان علی‌بخشی و آبتین کیان
آخر: سامان آسمانی
همکاران: فرهاد پیران، سولماز جلودارزاده

تهران- خیابان مطهری- نرسیده به تقاطع سهروردی- خیابان سنندج
خیابان زاهدان- پلاک ۸- واحد ۲- تلفکس: ۰۲۱۸۸۸۳۹۴۵۱ - ۰۲۱۸۸۸۴۹۸۴۳

یادداشت

وفاق به مثابه نظریه و روش؛ ضرورتی بی‌بدیل برای ایران!

دکتر محمدحسن علایی
جامعه‌شناس

در این جستار به عنوان نظریه‌پرداز، گفتمان وفاق به مثابه یک نظریه اجتماعی، به اختصار اهم سخنان دکتر علی ربیعی؛ دستیار اجتماعی رئیس‌جمهور محترم، در نشست «گفتمان وفاق؛ دولت و جامعه در ایران» را به استحضار مخاطبان عزیز می رسانم و مباحث تکمیلی و انتقادی خویش را در جستارهای آتی تقدیم خواهم کرد.

دکتر ربیعی پیرامون «فهم مسئله» در سطح حاکمیت، دولت، نخبگان سیاسی و ... و از فقدان فهم مشترک و راه حل مسئله مورد وفاق سخن گفت؛ و به فقدان فهم مشترک در مورد فهم جهان و تحولات جهان و مفهوم توسعه اشاره کرد. وی گسل‌های ناشی از این فهم مشترک را به بی‌ریختی سیاسی تعبیر کرد و از وفاق به مثابه نظریه و روش؛ و ضرورتی بی‌بدیل برای ایران یاد کرد.

وی وفاق را به عنوان روح جمعی کل جامعه معرفی کرد و از نگاه نازل‌گرایانه در خصوص وفاق انتقاد کرد. وی از وفاق عمومی و عمودی سخن گفت. وی وفاق بین نخبگان سیاسی را وفاق افقی قلمداد کرد و اصل موضوع در آن را فهم مشترک از مسائل و ایجاد اشتراک نظری برای حل مسائل کشور به مثابه روش تلقی کرد.

او همچنین از وفاق عمودی رو به بالا و رو به پایین سخن گفت، او در وفاق عمودی رو به بالا به برخورداری از اعتماد حاکمیت برای هم‌افزایی بین نیروها اشاره کرد و در بحث از وفاق عمودی رو به پایین، به ذکر اهمیت جامعه مدنی و جامعه میانجی و نهادهای میانی، انجمن های علمی و صنفی و ... در شکل گیری وفاق عمودی رو به پایین پرداخت.

دکتر ربیعی یکی از بزرگترین تهدیدها را وجود کوهانه‌های ارزشی متفاوت جامعه با جامعه قلمداد کرد و ایستادن این دو کوهانه ارزشی جلوی همدیگر را بسیار خطرناک برای انسجام جامعه قلمداد کرد. وی در نهایت به ضرورت آشتی بین گروه های اجتماعی ذیل نظریه وفاق اشاره کرد. وی در ادامه در پاسخ به منتقدان «قبول تکثر» و به «رسمیت شناختن دیگری» را پیش‌شرط هر گونه تلاش برای نیل به فهم مشترک در بحث از وفاق قلمداد کرد و فروکاستن و تقلیل وفاق به سطح ایدئولوژی را رهزن تلقی کرده، به تفاوت مفهوم وفاق با آنچه در ادبیات جامعه‌شناسی آمده است اشارتی داشت.

جامعه‌شناس و مولف کتاب «گفتمان وفاق»

گفتگو

هان کانگ؛ برنده نوبل ادبیات ۲۰۲۴ در یک گفت‌وگوی تلفنی:

الگویم؟ آنها که در جست‌وجوی معنای زندگی‌اند!

همدلی| هان کانگ هان کانگ در سال ۱۹۷۰ در گوانگجو به دنیا آمد. پدرش، هان سونگ وون، نویسنده بود. در ۱۰ سالگی به همراه خانواده به سئول نقل مکان کرد.

پدرش برای گذراندن زندگی حرفه‌ای نویسندگی‌اش تلاش می‌کرد که بر خانواده‌اش تأثیر منفی گذاشت. با این حال، محاصره شدن با کتاب به او آرامش می‌داد.

هان در دانشگاه یونسی ادبیات کره‌ای خوانده است. برادر او نیز به نویسندگی اشتغال دارد. از سال ۲۰۱۳ در مؤسسه هنر سئول به تدریس ادبیات خلاقه مشغول شد. سال ۱۹۹۸، در برنامه بین‌المللی نویسندگی دانشگاه آیووا ثبت نام کرد. او سال ۲۰۲۴ مهم‌ترین جایزه در زمینه ادبیات یعنی نوبل ادبیات را از آن خود کرد. سال ۲۰۱۶ به دلیل خلق رمان «گیاهخوار» برنده جایزه ادبی بوکر بین‌المللی شد. این کتاب اختلال روانی یک زن و بی‌توجهی خانواده‌اش را نشان می‌داد؛ این نخستین بار بود که یک رمان کره‌ای زبان برنده جایزه بین‌المللی بوکر داستان می‌شد. سال ۲۰۲۴ نیز هان اولین نویسنده ادبیاتِ کره و اولین نویسنده زن آسیایی بود که موفق شد نوبل ادبیات را با خود به خانه ببرد.

این رمان‌نویس چشم‌بادامی، در اولین مصاحبه تلفنی پس از دریافت جایزه نوبل ادبیات ۲۰۲۴، احساسات و دیدگاه‌هایش را درباره این موفقیت و آثارش با نماینده نوبل به اشتراک گذاشته است.

او که سال‌ها با دغدغه‌های عمیق انسانی در آثارش به کاوش پرداخته، با آرامش و فروتنی از این موفقیت بزرگ صحبت می‌کند و همچنان بی‌سروصدا و با تمرکز، راه خود را در دنیای ادبیات ادامه می‌دهد. بخشی از گفت‌وگوی تلفنی او با نماینده نوبل را در ادامه می‌خوانید:

*چگونه از برنده شدن خود باخبر شدید؟

در خانه‌ام در سئول بودیم و تازه شامم را با پسرم تمام کرده بودیم که یکی به من زنگ زد و خبر داد. خیلی غافلگیر شدیم!

*چه احساسی نسبت به دریافت جایزه نوبل دارید؟

من واقعاً مفتخرم و از حمایت این جایزه قدردان هستم. امیدوارم این خبر برای نویسندگان و خوانندگان کره‌ای خوشحال‌کننده باشد.

*از چه نویسندگانی الهام گرفته‌اید؟

از دوران کودکی، تمام نویسندگان برایم الهام‌بخش بوده‌اند. آن‌ها در جستجوی معنای زندگی‌اند و قدرت و تلاششان همیشه من را تحت تأثیر قرار داده است.

*اگر کسی بخواهد با آثار شما آشنا شود، کدام کتاب را پیشنهاد می‌کنید؟

کتاب اخیرم «ما از هم جدا نمی‌شویم» را پیشنهاد می‌کنم. همچنین «اعمال انسانی» که با آن مرتبط است، و «کتاب سفید» که برایم بسیار شخصی است. البته «گیاه‌خوار» هم می‌تواند گزینه مناسبی برای شروع باشد.

*نوشتن رمان گیاه‌خوار چه تجربه‌ای برای شما داشت؟

من سه سال برای نوشتن گیاه‌خوار وقت گذاشتم. آن سال‌ها برایم بسیار سخت بودند و در تلاش بودم تصاویر شخصیت‌ها و محیط داستان را در ذهنم بسازم.

*چگونه این موفقیت را جشن خواهید گرفت؟

بعد از این تماس، با پسرم چای می‌نوشم. من اهل نوشیدنی نیستم، پس یک جشن ساده و آرام با چای خواهیم داشت.

یادداشت

تاریخ موسیقی و ادبیات

تفاوت حماسه با روایت تاریخی و اجتماعی

دکتر کیوان پهلوان
پژوهشگر موسیقی

دکتر ذبیح الله صفا پژوهنده حماسه سرایی در ایران حماسه را در معنای عام آن نوعی از اشعار وصفی می داند که «مبتنی بر توصیف اعمال پهلوانی و مردانگی و افتخارات و بزرگی های قومی یا فردی باشد، به نحوی که شامل مظاهر مختلف زندگی آنان گردد.»

او در باره موضوع «حماسه» می نویسد:

موضوع سخن در اینجا امر جلیل و مهمی ست که سراسر افراد ملتی در اعصار مختلف در آن دخیل و ذینفع باشند(مانند مشکلات و حوائج ملی از قبیل مسئله تشکیل ملیت و تحصیل استقلال و دفاع در مقابل دشمنان اصلی و امثال اینها) منظومه حماسی کامل آنست که در عین توصیف پهلوانی ها و مردانگی های قوم، نماینده عقاید و آرا و تمدن او نیز باشد و این خاصیت در تمام منظومه های حماسی جهان موجود است... کارهایی که در قرون متواتر و اعصار متوالی [در تاریخ یک ملت] صورت گرفته است، بتدریج فواصل زمانی و مکانی خود را از دست می دهد و به یکدیگر مربوط می شود و مانند یک سلسله علل و به شکل وقایع منظم و مرتب در می آید و این داستان ها که در آغاز کار مختصر است، بتدریج به اثر نقل ناقلان و روایت راویان و شاخ و برگ‌هایی که هر یک بر آن می افزاینده، تفصیل بیشتری می یابد و آرمان های ملی و مقاصد قوم در آنها بیش تر متجلی می شود.

در عموم حماسه‌ها زمان و مکان وقایع مبهم است تا منظومه حماسی در زمان و مکان محدود نباشد.

ویژگی دیگر حماسه داستانی بودن آن می‌باشد. حماسه‌ها به صورت داستان بیان می‌شوند. وجود قهرمانان برتر در حماسه نیز از دیگر ویژگی‌های حماسه به‌شمار می‌رود. حوادث خارق‌العاده‌ای یا اغراق آمیزی که در حماسه ذکر می‌شوند و گاه باور آن‌ها دشوار می‌باشد نیز از ویژگی‌های حماسه می‌باشد.

در کنار شاهنامه که مجموعه‌ای از بسیاری از منابع تاریخ و اسطوره ایران باستان است، شماری دیگر از حماسه‌های فارسی در دست است که از حماسه‌سرایی ساسانی ریشه می‌گیرند از جمله: گرشاسب‌نامه، بهمن‌نامه، فرامرزنامه، کوش‌نامه، برزونامه، شهریارنامه، آذربرزین‌نامه، بیژن‌نامه، لهراسب‌نامه و سام‌نامه. فهرست حماسه‌های ایرانی که دکتر ذبیح الله صفا می‌دهد شامل این کتاب‌ها نیز هست: داستان کک کوهزاد، داستان شبرنگ، داستان جمشید و جهانگیر نامه.

دانشنامه «لاروس» قرن بیستم، حماسه را داستان منظومی می داند از :

رویدادهای قهرمانی که اغلب با شگفتی همراه هستند و از نیروهای عادی سرشت انسانی فرا می گذرند. عنصر دیگر حماسه، خارق العاده بودن آن است که البته نمی توان این ویژگی را همچون ابزار یا ماشین ساده ای آزادانه در اختیار قهرمان حماسه نهاد؛ زیرا خارق‌العادگی باید بیش از هر چیز در دل قهرمان اصلی منظومه وجود داشته باشد، باید بیانگر مفهوم ویژه ای از زندگی، سرنوشت، دین و میهن ارائه دهد که خود شاعر به آن باور داشته باشد. گذشته از آن، حماسه را نباید با تاریخ اشتباه گرفت، چرا که موضوع تاریخ حقیقت است، حال آنکه حماسه از پندار و تخیل لذت می برد.

دانشنامه لاروس بزرگ نیز گذشته از تکیه بر ویژگی رویدادهای شگفت و خارق العاده در حماسه می نویسد:

حماسه بیشتر یادبود یک رویداد قهرمانی ست که به افسانه تبدیل شده است و به شایسته‌ترین شکل ادبی که توانایی بیشتری برای مجذوب کردن نیروی تخیل ملت را داشته باشد، عرضه می شود و از این رو بی گمان کهن‌ترین شکل ادبی ست.در باره گونه های حماسه، دکتر صفا به طور کلی حماسه را به دو دسته طبیعی و ملی از یک سو و مصنوعی و ساختگی از سوی دیگر، تقسیم می کند که گونه نخست:

عبارت است از نتایج افکار و قرایح و علایق و عواطف یک ملت که در طی قرون و اعصار تنها برای وجوه عظمت و نبوغ قوم به وجود آمده و مشحون است به ذکر جنگ ها، پهلوانی ها، جانفشانی ها و فداکاری ها و در عین حال مملو است از آثار تمدن و مظاهر روح و فکر مردم یک کشور در قرون معینی از ادوار حیاتی ایشان.

ولی در دسته دوم:

سرو کار شاعر با داستان های پهلوانی مدون و معینی نیست؛ بلکه خود به ابداع و ابتکار می پردازد و داستانی را از پیش خود بوجود می آورد.

به نظر دکتر صفا این هر دو گونه حماسه هم می توانند افسانه (= اسطوره) و فلسفه و دین را همچون موضوع در برابر خود داشته باشند و هم تاریخ را.

آنگاه نویسنده در توضیح تفاوت حماسه اسطوره ای و حماسه تاریخی می افزاید:

[در مقایسه با حماسه تاریخی] حماسه اساطیری در زمان و مکان محدود نیست؛ اسطوره، دین و حماسه، سه پایه اساسی یک کل در روح یک قوم هستند و آن که، چیزی جز فلسفه تاریخ آن قوم نیست. ژرفای فرهنگ جامعه به راستی بر این سه پایه قرار دارد. در طیفی وسیع تر و پهنه ای گسترده تر، اینها سه پایه و سه پله گوناگون آگاهی تاریخی قومی هستند که در حماسه ای ملی از نوع شاهنامه فردوسی به خودآگاهی می انجامد.

با توضیحاتی پیرامون حماسه می توان گفت تمامی روایت‌هایی که چنین ساختاری ندارند و قهرمانان آنها تقریبا شناخته شده هستند، جزو روایت تاریخی و یا اجتماعی هستند و هیچ ربطی به حماسه ندارند.

ما حماسه را بدین منظور توضیح داده‌ایم تا بتوانیم تعبیر نادرستی از «سوت»های مازندرانی که به عنوان «اشعار قهرمانان و حماسه های ملی و میهنی» می شود را موشکافانه بررسی کنیم.این ارزش گذاری که در مازندران از افراد به اصطلاح قهرمان و ملی می شود و به تجلیل و ثنای آنان می پردازند؛ آنانی که به گفته اشعار به جا مانده، یاغی بیش نبوده‌اند و حتی بیش تر آنان هیچگونه محبوبیت مردمی نداشتند، بلکه برخی نیز مورد نفرت و بیزاری روستائیان بودند؛ زیرا روستائیان بیش تر در ترس و وحشت این یاغیان به سر می بردند؛ هر چند که همه اینان افرادی شجاع، تیراندازان و سوارکارانی ماهر بودند. «حتی به آنها چون رابین هودهای مازندرانی هم می‌توان نگریست.»

به جز روایت «حامد» که نشانه ای از مبارزه علیه زمین داران محلی دیده می شود،بقیه هیچ نشانه ای از مبارزه طبقاتی نیز وجود ندارد، چه برسد به اینکه ما آنان را حماسه قلمداد کنیم؛ یعنی «افسانه ای که بیانگر مفهوم ویژه ای از زندگی، سرنوشت، وحدت و... یک قوم یا ملت است.»

همانطور که گفته‌ایم حماسه دارای زمان و مکان نیست (همچون افسانه)؛اما تقریبا تمامی این روایت ها واقعی‌اند که در صفات قهرمانان آن غلو شده است.

این نکته را نیز باید گفت که بسیاری از این افراد در دوران رضا شاه قد علم کردند و همه آنها شکست خوردند و برخی هم کشته شدند. شورش های قومی و یاغیگری فردی فراوانی بدون پشتوانه تاریخی و اعتلا فرهنگی و اجتماعی صورت گرفت و همه آنها سرکوب شد.استبداد بعدی رضاشاهی باعث شد چنین افرادی از طریق نزدیکان، دوستان و بستگان خود که احساسات و عواطفی داشته‌اند مورد توجه و لطف قرار گیرند و اشعار و منظومه ها همراه با آهنگ‌هایی برای آنان ساخته شود و دهان به دهان به گوش دیگر مردم برسد بدون آنکه آگاهی کاملی نسبت به زندگی و شیوه عملکرد آنان داشته باشند و پس از مدتی هر یک از اینان به نوعی «قهرمان»، «قهرمان ملی» و «حماسه» در نظر روشنفکران به حساب آمدند.

در دوران قبل و بعد از انقلاب ۱۳۵۷، روشنفکران، بیش تر هواداران چپ و مارکسیست فقط به دلیل مخالف بودن با رضا شاه و سلطنت پهلوی بدون اندیشه سیاسی استوار،به طرفداری شخصیت‌هایی مانند هژبر سلطان و امیر موید سوادکوهی و در عین حال یاغیانی پرداخته‌اند و هنرمندان هم مسلک یا طرفدار خود شعر، ترانه و یا منظومه را خوانده‌اند و تبلیغ کرده‌اند تا ایدئولوژی و عقاید خود را به غلط در چهره آنان توجیه کنند. دکتر جواد طباطبایی در این باره می نویسد:

اصحاب ایدئولوژی، با مخدوش کردن نسبت گذشته و حال، گذشته را به مثابه آینده حال توضیح می دهند؛ اما توجه اصحاب ایدئولوژی به گذشته و نیز به آینده که آن را از گذشته حالی ست که پیش از موقع به وقوع پیوسته است. اصل در توضیح علی شریعتی از ابوذر ، به عنوان نخستین سوسیالیست، ابوذریست، توجیه سوسیالیسم به عنوان ایدئولوژی پیکار سیاسی است...

شریعتی تنها با قرائت مارکسیستی، می توانست زهد جانسوز ابوذر را به ایدئولوژی شورش علیه سرمایه داری واپسین دهه های سده بیستم و نظام طبقاتی آن تبدیل کند.این تفسیر ایدئولوژی واقعه تاریخی گذشته را در رابطه نیروهای زمان حال حل می کند تا توجیهی برای موضع سیاسی خود در آستانه های گسست ها در نظام مفاهیم باشد...

دکتر جواد شیخ‌الاسلامی نیز به درستی در این باره می‌گوید:

متاسفانه شایعات بی اساس غالبا از نسلی به نسلی و از سینه ای به سینه ای منتقل و به قدری تکرار می شوند که سرانجام به شکل نوعی " واقعیت تاریخی " در می آیند که اصلاح کردنش بسیار مشکل است؛ زیرا افکار و معتقدات صحیح موقعی که بر مغزها و دل ها نشست، به این زودی و به این سادگی از بین رفتنی نیست.

یکی از معروفترین منظومه های تاریخی که غلط حماسه قلمداد می‌شود و ابتدا بین روشنفکران مازندران طرفدارانی داشت و در این حدودا چهار دهه از سوی افراد مختلف تبلیغ و ترویج شده، «منظومه " هژبر سلطان(سروان)» بوده است. هژبر و برادر او سهم‌الممالک را نمی توان در مجموعه یاغیان قرار داد؛ متاسفانه همانطور که گفتیم چون از سوی ماموران رضا شاه به قتل رسیدند، از سوی مخالفان حکومت پهلوی در جایگاهی ویژه فرار گرفتند و به مرور از آنها با نام «قهرمانان» و «حماسه‌سازان» یاد شده است. این واژه ها به ویژه در خلال جنگ تحمیلی ایران و عراق بسیار مورد استفاده قرار گرفت و سپس تحلیلگران سیاسی به یکباره و شاید شوخی شوخی او را همطراز پهلوانان شاهنامه فردوسی (چون رستم) قرار دادند که واقعا تاسف آور است. ادیبانی هم بر آن صحه گذاشتند.

می‌خواهیم خوشبینانه برخورد کنیم که آنها هیچ منافعی نداشتند و ندارند(به جز خاندان باوند که در هر حال در این زمینه ذینفع هستند.)

خوانندگان محترم مقاله می توانند تمامی منظومه های تاریخی مازندران را در کتابهای موسیقی مازندران و همچنین فرهنگ گفتاری در موسیقی ایران استان مازندران (نگارنده این سطور) مطالعه کنند.

منابع:

دریایی، تورج (۱۳۸۱ خورشیدی)، سقوط ساسانیان، ترجمهٔ منصوره اتحادیه و فرحناز امیرخانی حسینک‌لو، تهران: نشر تاریخ ایران

صفا، ذبیح‌الله (۱۳۵۲ خورشیدی)، حماسه‌سرایی در ایران، تهران: انتشارات امیرکبیر

ثاقب فر، مرتضی(۱۳۷۷)، شاهنامه فردوسی و فلسفه تاریخ ایران، تهران: قطره و معین

پهلوان، کیوان (۱۳۹۳)، فرهنگ گفتاری در موسیقی ایران، جلد دهم،استان مازندران، تهران: آروَن

اتابکی، تورج (۱۳۸۵)، تجدد آمرانه، جامعه و دولت در عصر رضا شاه، ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران: ققنوس

طباطبایی، جواد (۱۳۸۵)، مکتب تبریز و مبانی تجدد خواهی، تبریز: ستوده

شیخ الاسلامی، جواد (۱۳۷۵) سیمای احمد شاه قاجار، جلد اول، تهران : گفتار

داستانک

درگذشت یک روزنامه‌نگار ورزشی و همسرش

همدلی| هادی خمسه به دلیل یک سانحه عجیب در مرزن آباد مازندران به همراه همسرش از دنیا رفت.هادی خمسه خبرنگار سابق روزنامه‌های ورزشی ۹۰، اخبار ورزشی و ... به دلیل یک سانحه عجیب در مرزن‌آباد مازندران به همراه همسرش از دنیا رفت. این فعال سابق رسانه‌های ورزشی کشور در شرایطی که خودروی او در کنار جاده توقف کرده بود، در حالی که به همراه همسرش از خودرو پیاده شده بودند با اصابت یک خودروی یدک‌کش هر دو در دم جان باخته‌اند.فرزند دلبند این خبرنگار ورزشی در این حادثه آسیب جدی دیده و به یکی از بیمارستان‌های تهران منتقل شده است. پیکر هادی خمسه و همسرش دیروز به تهران منتقل شد. مراسم خاکسپاری او و همسرش قرار است توسط انجمن ورزشی‌نویسان اطلاع‌رسانی شود.روزنامه «همدلی» این ضایعه را به خانواده و دوستان آقای خمسه تسلیت می‌گوید.

تازه‌های نشر

کتاب«بندباز و دلقک‌ها» منتشر شد

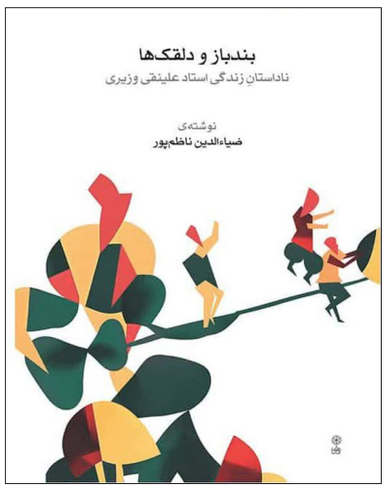

همدلی| کتاب«بندباز و دلقک‌ها» آخرین اثر منتشر شده از ضیاالدین ناظم‌پور رمانی است بر اساس زندگی استاد علینقی وزیری، پدر موسیقی معاصر ایران که به تازگی توسط انتشارات ماهور منتشر شده‌است. نویسنده این ناداستان با این دیدگاه که خوانش روایت‌گونه زندگی نوابغ عرصه علم، فرهنگ و هنر می‌تواند تصویر ماندگارتری از شخصیت، دستاوردها و تحولی که او در حوزه فعالیتش انجام داده‌است در خاطر مخاطب ثبت کند، به نگارش این کتاب اقدام کرده‌است.

هرچند در این رمان بنا به مقتضیات شیوه این سبک از داستان نویسی رویدادها به شکل خطی دنبال نمی‌شوند با این حال کتاب حاوی مطالبی تاریخی از چند دهه پیش از تولد استاد وزیری تا ماجرای تلخ مرگ ایشان را در بر می‌گیرد. با توجه به اینکه نقطه عطف زندگی کلنل وزیری تاسیس اولین آکادمی رسمی موسیقی در تاریخ هنر ایران است، بخش زیادی از داستان به این موضوع اختصاص یافته‌است. داستان از سفر کلنل به اروپا(فرانسه و آلمان) آغاز می‌شود و در روند روایت به تولد، کودکی، اولین مواجهه ایشان با موسیقی و جزئیات زندگی نظامی، سیاسی و فعالیت‌های موسیقایی ایشان ادامه می‌یابد.

خوانندگان بخصوص آن دسته از علاقمندان به موشکافی در مسائل تاریخی باید توجه داشته‌باشند که در روایت ناداستان نویسنده حق دارد ضمن پایبندی به مستندات تاریخی، جهت رعایت برخی از ساختارهای رمان‌نویسی از قوه تخیل خود استفاده کند. نمونه این‌گونه از داستان‌نویسی درباره مفاخر فرهنگ و هنر جهان بی‌سابقه نیست و از نمونه‌های بارز این سبک ادبی می‌توان به آثار «رومن رولان» اشاره کرد.برای این کتاب مقدمه یا موخره ننوشته‌ام و لازم می‌دانم در اینجا فرصت را غنیمت بشمارم و از تلاش‌های سودمند تمام کسانی که پیش از این در قلمرو تاریخ نگاری موسیقی ایران قلم زده‌اند و آثارشان راهنمای من برای نگارش این کتاب بوده‌است تشکر کنم؛ به ویژه این قدردانی را نثار یاد و خاطره استاد «روح اله خالقی» نویسنده کتاب «سرگذشت موسیقی ایران»، جناب آقای «علیرضا میرعلینقی» نویسنده کتاب «موسیقی‌نامه وزیری» و جناب آقای «مهدی نورمحمدی» نویسنده کتاب «اخبار و اسناد کلنل علینقی وزیری» می‌نمایم.امیدوارم این کتاب مورد تأمل خوانندگان قرار بگیرد و ادای دین من به موسیقی مظلوم ایران باشد.بخشی از داستان که در پشت جلد کتاب نیز آمده‌است: «باغ باغِ سیب بود. تابستان و زمستان نداشت، همیشه خدا سَیب می‌داد؛ گاهی کم و گاهی خیلی زیاد. آن طرف باغ آقا رحمان هیزم می سوزاند و برای زمستان زغال درست می‌کرد که بفروشد. بوی سیب با دود هیزم قاطی می‌شد و هوش از سر آدم می‌برد. ای کاش آنهایی که در فرنگ «پرفیوم» درست می‌کنند می‌توانستند مثل این بو را بسازند. برزخ لابد چنین بویی می‌دهد. از یک طرف نسیم بهشت بوی سیب می‌آورد و از طرف دیگر طوفان جهنم بوی هیزم سوخته. زندگی برزخی او بوی باروت و موسیقی می‌داد.»

معرفی کتاب

کتاب :وقایع نگاری یک لات چاقوکش

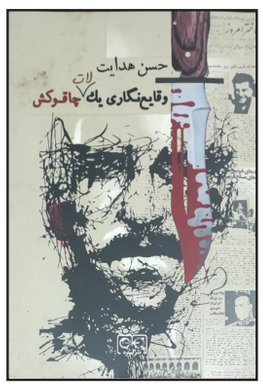

رمان وقایع نگاری یک لات چاقوکش ، بیان سرراست و بی پرده زندگی و دوران یک چاقوکش است. «هاشم آبسرداری « چاقوکشی دولتی است و زندگی خصوصی خود و اوضاع سیاسی و اجتماعی کشور را در خلال سالهای ۱۳۲۴ تا ۱۳۳۳ روایت میکند. او و گروهی دیگر از لاتها و اوباش شهر وظیفه دارند در کنار مأموران شهربانی به اجتماعات اعتراضی مردم حمله کرده و آنها را لت و پار کنند. لاتها برای حمله و برهم زدن تظاهرات دانشجویان ، کارگران ، بازاری ها و دیگر اقشار مردم پول زیادی میگرفتند و موقعیت و امتیازات ویژه داشتند. معمولا هیچ وقت دستگیر نمیشدند و پایشان به کلانتری و دادگاه نمی رسید. از سویی دیگر ، عشق عمیق آبسرداری به رعنا که دختر یکی از گنده لاتهای تهران است مهمترین دغدغه زندگی شخصی اوست. رعنا دختری بلند بالا و رؤیایی که نمی خواهد در دنیای چاقوکش ها و لاتها زندگی کند در پر آشوب ترین سالها هاشم آبسرداری از یک سو راوی بحرانهای غم انگیز کشور است و از سویی بیانگر عشق سودازده خود به رعنا این کتاب از نشر گستره و بشمارگان ۷۷۰ نسخه برای شما علاقه مندان دسترس می باشد.